

قضاوت و تعقل

تعلیم و تربیت اگر نتواند شاگرد را به تعقل و قضاوت در امور زندگی عادت دهد کامل و بدون عیب و نقص نتواند بود. اهمیت تعقل و محاکمه در باره اشخاص و باصطلاح ساده تر اهمیت قضاوت انفرادی در زندگی بیش از این است که در این مختصر بگنجد. موفقیت در زندگی در صورتی ممکن است که انسان بامبادی عام بقضاوت انفرادی آشنا باشد. تشخیص نیک و بد نسبی اشیاء، تعیین عاقلانه مسائل و اموری که انجام آنها را در نظر داریم، فهم کیفیت نتایج و عواقب رفتار و اعمال ما در زندگی تنها در صورتی ممکن است که ما دارای حس تعقل و قضاوت فردی باشیم. برای اینکه اهمیت توجه باین نکته را در مدارس خاطر نشان کرده و طریقه و روش تربیت این حس را در نهاد شاگرد و حاصل نشان دهیم یک فصل از کتاب مهم «تعلیم فکر کردن» تالیف ژولیوس بوراس را ترجمه و در دسترس خوانندگان میگذاریم. این فصل یکی از مهمترین و دلکش ترین فصول کتاب مزبور است و ماعنوم معلمین و محصلین را بمطالعه دقیق آن توصیه مینمائیم.

نگارنده در مدت چندین سالی که در مدارس ابتدائی و متوسطه و عالی و دانشکده ها و دانشگاهها مشغول آزمایش بودم هیچگاه ندیدم در یکی از این مدارس اصول دروس تعقل و قضاوت را بمحصل بیاموزند. منظور نگارنده از «درس قضاوت» درسی است که منظور از آن تربیت حس قضاوت محصل باشد بوسیله وادار کردن او به مقایسه، تشخیص اهمیت و ارزش نسبی، سنجش دلایل، و آزمایش نتایج، در مورد اشیاء، اشخاص، مواقع و افکار است.

آیا علت عدم توجه باین منظور اینست که تعقل و قضاوت را چیزی بی اهمیتی فرض کرده و تصور مینمائیم این موضوع در زندگی روزانه ما بقدری بی تاثیر است که برای نشو و نما و تربیت آن سعی و مجاهده خاصی ضرورت ندارد؟ آیا غفلت ما در این موضوع معلول این تصور است که حس تعقل و مجاکمه را از مسائل حبابی و فطری پنداشته و آنرا بوسیله تمرین و ورزش قابل تربیت نمیدانیم؟ یا اینکه برعکس باید یقین بدانیم که مدارس مایکی از ارکان مهم تربیت را بکلی فراموش کرده و در طاق نسیمان گذارده اند.

جواب ما بسؤال اول در مورد تاثیر و اهمیت تعقل و مجاکمه در کیفیت زندگی روزانه چه خواهد بود؟ البته خواهید گفت بحث در اطراف این مسئله ضرورتی ندارد از اینرو که استعداد تعقل و مجاکمه دقیق و قابل اعتماد در دوران کار و زندگی شخص یکی از عوامل مهمه موفقیت میباشد. حتی در اموری که انجام آنها مستلزم مهارت و بصیرتی مخصوص نیست کارگر باید در محکمه عقل خود قضاوت کند که آیا کار او پسند و رضایت کار فرما را جلب مینماید یا خیر؟ هر موقع که شخص مبادرت بخزیدن چیزی میکند باید کیفیت فایده و ارزش نسبی آنرا بسنجد. تمام رفتار و حرکات ما در معرض مجاکمه و قضاوت دیگران قرار دارد و نیک و بد اعمال ما وابسته بنوع قضاوت خود ما است در مورد آن آری: قضاوت معقول در امور عملی حائز اهمیتی بسزایم باشد مسئله دوم اینست که آیا استعداد تعقل و قضاوت را در نهاد افراد میتوان تربیت نمود یا خیر؟ آیا حقیقت امر این نیست که بعضی افراد در اصل خلقت نادان و احمق آفریده شده و نادان و احمق خواهند ماند در حالیکه برخی خلقت از موهبت هوش و عقل بهره مند بوده و علی رغم نوع تربیتی که در مورد آنها اعمال نمیگردد با هوش و روشن فکر خواهند ماند. آیا نمی بینیم که حس تعقل و قضاوت صحیح در مورد امور مراجعه به سهام تجارتي، زمین، بنا و ساختمان و یا موسیقی و یا چیز دیگر در فطرت بعضی اشخاص سرشته شده است؟

بهرتر است در اینجا آزمایش ساده ای بعمل آورده به بینیم چطور ممکن است شخصی را وادار به قضاوت صحیح و دقیق در تعیین طول يك قطعه کاغذ نمود. چندین

قطعه کاغذ را با عرض متساوی تهیه کنید که از لحاظ طول با هم مختلف یعنی از ده سانتی متر تا بیست سانتی متر باشد. پس از اینکه آنها را تهیه نمودید همه را مخلوط کرده و در زیر ورق کاغذ جای دهید. سپس یکی از آنها را از زیر ورق کاغذ بیرون آورده در روی میز در جلو خود بگذارید و سعی کنید طول آن را از روی صحت حدس بزنید و حدس خود را در روی ورق کاغذی بنویسید. پس از آن طول کاغذ مزبور را با سائیمتر تعیین کرده و نتیجه را در مقابل رقمی که حاصل حدس شماست بنویسید و میزان اشتباه را در مقابل آن ثبت نمایید. این آزمایش را در مورد سایر قطعات نیز بعمل آورید و سپس حد متوسط اشتباه خود را در مورد پنج قطعه اول تعیین کنید. عمل فوق را بعد از هر مورد پنج قطعه دیگر اعمال نمایید. بعد از آن هر موقع فرصت مناسبی بدست آورده و فراغتی حاصل نمودید همین آزمایشها را تکرار کنید ولی باید در هر مرتبه سعی کنید حدس و قیاس شما بیش از دفعه پیش به یقین نزدیک باشد. چون از این آزمایش فراغت حاصل نمودید از خود سؤال کنید آیا قضاوت من در حدس و تخمین طول این قطعات کاغذ صحیح تر از اول شده استعداد من در عقل و قضاوت ترقی کرده است یا خیر؟ آیا اکنون میتوانم بهتر از پیش در مورد آنها قضاوت نمایم؟ برای اینکه بتوانیم حس قضاوت را در خود بهتر پرورانده و دقیق تر نماییم باید در دفعات بعد تغییری در طول قطعات مزبور داده و اختلاف آنها را از هم نیم سائیمتر قرار دهیم

اگر بخواهید طرز و روشی را که بعضی اشخاص هنگام اظهار حاصل قضاوت خود در پیش میگیرند مشاهده کنید سعی کنید دیگری را وادار باین قضاوت نمایید، در صورتیکه بخواهیم آزمایش مزبور را عیناً در مورد حاصلین کلاسهای پائین اعمال کنیم لازم است تفاوت طول قطعات کاغذ را بیش از یک سائیمتر قرار دهیم.

اگر کسی نتیجه ابراکه از اینگونه آزمایشها بحصول می پیوندد در نظر بگیرد خواهد دید که تربیت و پرورش نسبی حس قضاوت در نهاد افراد اشکال و استعدادی ندارد و این رشته از تعلیم کاری خارق العاده و عملی اسرار آمیز میباشد بلکه یکی از مسائل ساده طبیعی است. خواهید دید که اینگونه آزمایش و امتحان نه تنها یک آزمایش فکری و دماغی است بلکه از بعضی لحاظ خوی و رفتار خارجی و ظاهری شخص نیست

مسئول این آزمایش واقع شده و در جریان کار معلوم و هویدا خواهد شد زیرا اگر کسی این آزمایش را آزادانه و بطور طبیعی و بدون قیود مخصوصی انجام دهد خواهی نخواهی طرز رفتار و طریقه عمل ظاهری او نیز طی جریان آزمایش ظاهر و آشکار خواهد گردید. این طریقه راه عمای کشف خطا و اشتباه را نشان میدهد و بدینوسیله شخص میتواند رفته رفته شخصاً با اشتباهات خود پی برد و آنها را اصلاح کند. اگر حدس و تخمین کسی بیش از میزان حقیقی و واقعی باشد و طبیعتاً بطرف افراط بروز مینماید باید او را از این سوق طبیعی منحرف سازیم و او را وادار بانصراف از افراط کاری کنیم ولی بعید نیست بالتبجه تمایل او بطرف تقریب رفته و در دفعات بعدی بقدری تنزل کند که از میزان واقعی کمتر حدس بزند. بنابراین باید مواظب بود که حدس و تخمین وی تعدیل گردد. ماخذی که اشخاص برای سنجش و عرض و طول و ارزش و مقدار اشیاء در نظر میگیرند متفاوت است گاهی طول بعضی اشیاء بهتر و روشنتر از طول اشیاء دیگری بحافظه سپرده میشود و حالت بقالی را پیدا میکند که نمونه ها و طول اشیاء دیگر را با آن قیاس میگیریم. بعضی اشخاص عادهً میتوانند مشخصات بعضی اشیاء را از قبیل يك خط کش، و يك ورق کاغذ، یا يك مداد از اشیاء دیگر بهتر بحافظه سپارند. بطور کلی میتوان برای تعیین طولهای گوناگون مقیاسهای گوناگون در نظر گرفت.

بدیهی است که در هر يك از این موارد در قضاوت اشخاص، مختلف اختلاف بینی خواهیم دید. بعضی اشخاص بیش از دیگران دچار خطا و اشتباه میشوند. حدس و تخمین قسمتی از مردم خیلی کمتر از میزان حقیقی و واقعی است و برخی برعکس هر چیزی را بیش از میزان واقعی آن تخمین میزنند. جمعی میزان یکدسته از طولها را با یقین و اطمینان حدس میزنند و در قضاوت و حکم خود راجع به میزان یکدسته دیگر از طولها هیچ اعتماد ندارند. عده ای در قضاوت و قیاس صحیح خیلی زودتر و سریعتر از دیگران پیشرفت مینمایند ولی پیشرفت و ترقی استعداد قضاوت دسته ای دیگر خیلی بطی و تدریجی میباشد. در مورد بعضی اشخاص به تناسب طریقه و روشی که برای مشق و تمرین در پیش میگیرند پیشرفت و ترقی بهوسته قوس صعودی و نزولی زیاری طی کرده و پستی و بلندیهای متعددی طی مینماید، تعقل و قضاوت در وجود برخی بر روی بنیان یکنوع احساسات غیر شخصی استوار است که حتی خودشان از شرح و توصیف

آن عاجزند ولی آنچه مسلم است با تمرین و ورزش صحیح و مراقبت متمادی پیشرفت و ترقی در هر مورد و برای هر کس ممکن الحصول است.

همانگونه که شخص میتواند استعداد تعقل و قضاوت خود را در مورد يك قطعه کاغذ پرورد بهمان نحو میتواند استعداد قضاوت را در مورد اسب، گداز، مرغ و خروس، غلات و حبوبات نان، میوه، ادبیات، بنا، ساختمان، مزرعه، معلم، مدرسه، تشکیلات عمومی، مؤسسات اجتماعی، طرز حکومت در خود تربیت کند و این نهال برومند را با مجاهدت و سعی و عمل متمادی آبیاری نماید.

فرض کنید فلان آدم هایل است که در شناختن و تعیین ارزش حبوبات بدرجه تخصص مهارت پیدا کند. بدو لازم است راجع بنوع خوشه های مثل ذرت يك نظر به کلی اتخاذ نماید و سپس يك خوشه ذرت را در دست گرفته با خوشه دیگر مقایسه کند و وجوه مشابهت و موارد اختلاف آنها را در نظر بگیرد و مشخصات هر يك را بحفاظت بسپارد. معلم میتواند در این مورد توجه شاگرد را به بعضی مشخصات مهم و جهات مختلف قیاس و مماثلت از قبیل رنگ، اندازه، انتظام دانه ها و شکل حبه جلب و مراحل آزمایش را بدینوسیله کوتاه و سریع کند. پس از آنکه مشخصات مختلف آنها در نظر گرفته شد مسئله اهمیت و ارزش نسبی آنها بمیان بیاید. این نکته نیز مستلزم آزمایش های بیشتر و قضاوت های دقیق تر است.

برایچه اکثریت مردم در قضاوت های خود دچار خط و اشتباه میشوند؟ برای اینست که بدقت نظر عادت نکرده و برای تعیین و قیاس مشخصات مختلفه چیز هائی که میخواهند در مورد آنها حکمی صادر کنند مأخذ و مقیاسی در نظر نگرفته اند. برای اینکه موضوع روشن شود قضاوت هائی را که در مورد خطاها، نطق ها و مناظر دها بعمل میآید مورد مطالعه قرار دهیم. چه بسا قضاوت هستند که پس از آنکه گوش به نطقها و خطاها فرامیدهند، احساسات غیر مشخص و مهم خود را مأخذ قضاوت قرار میدهند و بالنتیجه يك حکم کلی صادر کرده میگویند فلای یا فلان در مسابقه فایق شد. ولی اگر احياناً همین قضاوت ملزم شوند که حکم و قضاوت خود را تامل کنند آنوقت است که بی خواهند بر دقضاوت آنها چقدر سست و بی بنیان و ناپسندیده است، آنوقت است

که لازم می‌بینند از اصدار حکم در مورد کلیات خود داری کرده، جنبه‌های شخصی را در نظر گرفته و آنها را مآخذ قضاوت خویش قرار دهند. بار دیگری که همین اشخاص برای قضاوت در مسابقه‌های دیگر تعیین میشوند بالطبع دقیق‌تر بوده و بهتر میتوانند با تعیین جنبه‌های شخصی حکمی صادر کرده و قضاوتی معقول‌تر بعمل آورند. اگر احياناً همین اشخاص مکرر برای قضاوت در مسائل مختلفه گماشته شوند در هر بار بهتر از دفعه پیش میتوانند در مسائل دقیق‌شده و در قضاوت صحیح موفقیت حاصل کنند. اینهارفته رفته طرق نامعقول قضاوت را کنار گذاشته و مآخذ صحیح‌تر و دقیق‌تری در نظر میگیرند و طولی نمیکشد که مهارت یک نفر شخص را کسب نموده و مانند یک نفر متخصص حکم و رای خواهند داد.

غالباً مشاهده میشود که در تعیین ارزش کار یک نفر مسابقه دهنده اختلافات اساسی بین قضات وجود دارد، باید دانست که اختلاف حکم و رای آنها در این موارد معلول اختلاف نظر در جهات مختلفه مشخصات موضوع یعنی یا یکی از قضات و یا همه آنها مؤثرات کلی موضوع را مآخذ قضاوت خود قرار داده و از روی این مآخذ حکمی صادر کرده است. اگر توجه یکی از قضات یکی از مشخصات مسابقه جاب شود و قضات دیگر تحت تاثیر مشخصات دیگر قرار گیرند نباید در حکم و رای آنها منتظر موافقت نظر بود، برای اینکه توافق نظر معقول بین قضات حاصل گردد باید همه آنها از یک نظر واحد، بمسابقه نگریسته، یک جنبه واحد را در نظر گرفته و آنرا مآخذ قضاوت قرار دهند. اگر کسی بخواهد محاکمه و قضاوت او در مورد مسابقه‌ای که در مواقع مختلف بعمل میاید یکسان باشد باید او نیز همین نکته را مراعات نموده و همین رویه را در پیش گیرد، تا اختلافی در نتیجه قضاوتهای او رخ ندهد.

در اینجا ممکن است این سؤال بنظر خوانندگان برسد که اگر پرورش استعداد قضاوت و تعقل در نهاد افراد باین سهولت امکان پذیر است برای چه باید قضاوت قسمت اعظم مردم تا این اندازه ضعیف و مبنی بر خطا و اشتباه باشد؟ چرا مردم در قضاوتهای خود تا این حد ضعف و عجز نشان میدهند. صحیح است ولی متوجه باشید که همیشه فکر شما متوجه خطا و اشتباه مردم دیگر است. متوجه این نکته باشید که

در این موارد عادتاً فکر شما متوجه نقص دیگران است: یعنی ضعف استعداد قضاوت اشخاص دیگر است که توجه شما را بخود جلب مینماید. چه بسیارند اشخاصی که بدون مضایقه و تعقل حاضرند بضعف قوه حافظه خود اقرار کنند ولی من هنوز کسی را ندیده‌ام که آزادانه حاضر باشد بضعف قوه استعداد قضاوت و تعقل خود اعتراف نماید. اقرار به ضعف حس قضاوت و تعقل در نظر ما بمنزله اعتراف به نقص خلقت میباشد، بدیهی است اگر موضوع بر سر يك قضاوت غلط در يك مورد بخصوص باشد مسئله تفاوت کلی پیدا میکند. مسلماً همه مآدر حکمها و قضاوتهای خود دچار خط و اشتباه شده و درآینده نیز منتظر خطا و اشتباه هستیم ولی این اشتباهات گاهگاهی را بهیچوجه دلیل نقص خلقت خود نمیدانیم در صورتیکه ضعف استعداد قضاوت را بطور کلی نقص آفرینش خویش میشماریم. اصطلاح «قضاوت صحیح» بقدری با اهمیت تکرار شده که در نظر ما بمنزله یکی از امور وحشت‌انگیز جلوه میکند و هر موقع سخن از «قضاوت صحیح» بمیان می‌آید ما از مفهوم آن یکنوع قدرتی سحر آسا استنباط مینماییم: اگر ما منتظر باشیم چنین قدرتی در وجود خویش پرورانیم بیهوده انتظار میکشیم زیرا اینگونه قدرت وجود خارجی ندارد. هیچکس نباید راجع به کلیات امور قضاوت کند. قضاوت همیشه باید در مورد اشیاء و صفات مشخص و محدود بعمل آید. قاضی خوب کسی را میگوئیم که قسمت اعظم قضاوتهای وی در رشته تخصصی خود صحیح و معدودی از آنها ضعیف و نادرست باشد. وقتی درباره کسی حکم میکنیم که قاضی خوبی است منظور ما طبیعتاً اینست که حکمها و قضاوتهای او بندرت در محاکم عالیتر نقض میشود و الا کسی را پیدا نمیکنیم که بکلی از خطا و اشتباه مبرا باشد. البته وقتی میگوئیم فلان آدم در مسائل حقوقی قاضی خوبی است حکم و رای، در مورد او مستلزم این نیست که در تعیین ارزش يك قطعه شعر، يك کتاب و یا يك موضوع سیاسی و یا اجتماعی نیز حتماً باید صحیح و قاطع باشد.

موضوع پرورش استعداد قضاوت صحیح را در این جمله خلاصه میکنیم.
چگونه شخص خواهد توانست راجع به عوامل معین و مشخصی که با حیات و زندگانی او مرتبط میباشد بطور صحیح و از روی دقت قضاوت کند؟ چون مسئله را بدین نحو و

در این جمله خلاصه نمودیم و در وهله دوم باید سعی کنیم انواع قضاوت‌هایی را که در زندگانی و دوران کار و شغل ما تأثیر و اهمیت دارند در نظر بگیریم. ذیلاً فهرستی از انواع قضاوتها را در موارد مختلف زندگی می‌نویسیم این فهرست اگر چه کامل نیست ولی اقلاً میتواند زمینه‌ای برای مطالعات بیشتر و دقیقتر بدست دهد.

۱- **قضاوت در صفت و کیفیت:** از قبیل رنگ، بو، صوت، مزه، احساس، و میزان حرارت؛ مثال: این پارچه شبز است، این بو بوی فلان گل است، میزان حرارت آب این ظرف شصت درجه است، وغیره.

۲- **قضاوت در تعداد و کیفیت:** اندازه، وزن، فشار، و تعداد. مثال: طول این تخته شش پا میباشد. مسافت بین آن درخت و آن خانه ۶۰ ذرع است. وزن این گاو پنجاه من است. این درخت ۱۲ شاخه اصلی دارد. در هر جریب این زمین فلان مقدار گندم کشت و زرع میشود.

۳- **قضاوت در وقت و سرعت.** مثال: از روی موقعیت آفتاب میتوان گفت ساعت دو بعد از ظهر است. آن مرد اتوموبیل خودش را ساعتی ۲۰ میل راه میبرد.

۴- **قضاوت راجع بار تباط جزء بکل.** مثال: پایه این میز از جادر آمده و کج شده است. این دانه سیب است. مدیر از طرف هیئت مدیره انتخاب شده و راپرت امور را بآنها میدهد.

۵- **قضاوت در علت و معلول.** مثال: فلان درس خود را از این جهت خوب آموخت که با حواس جمع مطالعه کرد از آن جهت که دقت زیاد صرف نمود. یکطرف تخته برآمده زیرا که مرطوب شده است. علت ورا آمدن خمیر اینست که باکتریای خمیر مایه در میان آن کاربن دیوکسید تولید میکند.

۶- **قضاوت در ارزش اقتصادی.** مثال: این زمین ۱۲۵۰ تومان قیمت دارد. آن قطعه زمین بیش از یکصد تومان ارزش ندارد. این کفش بیش از پنج تومان

نمی آرزود. مرغ و خروس های این نسل بهتر از مرغ و خروس های نسل های دیگر است .-

۷- **قضاوت در ارزش اجتماعی** - مثال: آقای حسن بیش از هر کسی دیگر باین جمعیت خدمت کرده است. آن قمارخانه باعث فساد اخلاق عده ای از جوانها شده است.

۸- **قضاوت از نظر علم الجمال** - مثال: نرد را که از دور با چشم برداشته ایم، دگر چشنگتر شده است. خانه هوشنگ زیباتر از خانه منوچهر است و اصول تناسب در آن بیشتر رعایت شده است. اگر نزدیک پنجره يك عکس آویزان کنیم دیوار اطاق چشنگتر میشود. دیوار این اطاق را بارنگ قهوه ای نقاشی کنیم بهتر است.

۹- **قضاوت در مورد افراد** - مثال: حسن معمولاً کندکار است و باینجهت خیلی دیر پیشرفت میکند ولی حسین خیلی سریع است و از سایر محصلین جلو خواهد افتاد. من سیاوش را از ایرج لایقتر و بیشتر سزاوار تحسین و تمجید میدانم.

معلم باید شاگردان و محصلین کلاس را وادار و تشویق به تمرین در هر يك از رشته های فوق الذکر نموده و ذوق آنها را در هر قسمت با وسائل مفید و پسندیده تحریک نماید. قبل از هر چیز باید این حقیقت را در نظر داشته باشیم که استعداد قضاوت در وجود هر فرد بشری قابل تربیت و نشو و نما میباشد و همانگونه که ما میتوانیم در يك رشته با تمرینهای مناسب و مفید پیشرفت کنیم بهمان نحو در سایر رشته هانیز و اجد صلاحیت و استعداد هستیم و با ورزش و تمرین مناسب میتوانیم پیشرفت نمائیم.

باید بمحصلین فرصت کافی برای مطالعه و قضاوت داد؛ باید موقعیتی برای آنها ایجاد کرد که ملزم به قضاوت و اظهار نظر و حکم شده و استعداد خویشان را در قضاوت بکار اندازند. هر قدر معلم خودش بخواد خویشان را سرمشق قرار داده و در تعیین ارزش اشیا؛ اشخاص، مواقع، و افکار پیش قدم شود و شخصاً در اطراف نیک و بد هر موضوعی اظهار نظر کند نخواهد توانست حس قضاوت و تعقل را در شاگرد و محصلین کلاس برانگیزد. معلم باید قسمت بیشتر تمرینات یومیه کلاس را برای شاگردان تربیت و نشو و نماي حس قضاوت محصلین اختصاص داده و آنها را وادار باظهار قضاوت نسبی در هر مورد نماید.

در مرحله دوم باید در مورد اشتباهاتی که هر محصل ممکن است مرتکب شود نظریه خاصی اتخاذ نمود. باید دانست که قدر و اهمیت رأی و حکم محصلین در صحت و سقم آن نمیباشد بلکه در میزان سعی و مجاهده‌ای است که برای بز انگیختن و تربیت صحیح و دقیق حس و استعداد قضاوت آنها ابراز میگردد. یک عقیده و فکر غلط و اشتباه که از طرف محصل با کمال صراحت و آزادگی اظهار گردد، در معرض انتقاد سایر محصلین و معلم قرار گیرد متدرجاً اصلاح و تصحیح گردد و سپس با همان وضع اولیه مقایسه شود، و تفاوت بین شکل اول و آخر آن و همچنین عللی که منجر بهر یک از دو شق شده مطرح و حل‌الجی شود، برای محصل خیلی بهتر و مفیدتر از عقیده است که تصادفاً صحیح از میان درآمده و در معرض انتقاد قرار گرفته باشد. برای اینکه شاگرد و محصل بتواند بوسیله آزمایش و تجربه شخصی تفاوت بین قضاوت صحیح و غلط را در باید بوی اجازه داد که عقیده خود را خواه صحیح و خواه غلط آزادانه اظهار کند.

در وهلهٔ اخیر باید در کلیه موارد مسائل محصلین را بطریقی تشویق آمیز و اداوار نمود که خودشان حکم و رأی عقیده خودشان را مورد مطالعه و انتقاد و خورده‌گیری قرار دهند. فرض کنیم معلمی عادتاً هر موقع فکر و عقیده غلطی از محصل می‌شنود فوراً خودش آن را تصحیح و اصلاح میکند. نتیجه این روش و رویه چیست؟ محصل فقط آنچه را که در سر کلاس تمرین کرده خواهد آموخت و خارج از محفوظات خود از اظهار نظر و عقیده عاجز خواهد بود. بهمین جهت هر موقع مسئله تازه‌ای پیش آید تکیه محصل فکر و کمک معلم است و از خود رأی و عقیده‌ای نتواند داشت. این رویه مطلوب نتواند بود موفقیت در دوران زندگی تنها در صورتی ممکن است که شخص بتواند قبل از آنکه دیگران با اشتباه او برخورد شخصاً با اشتباه خویش برخورد و آن را رفع و خویشتن را اصلاح کند.

پرورش قضاوت انفرادی مستلزم تصحیح و اصلاح متمادی و دائمی است و این نیز تنها بوسیله مأخذ قرار دادن موازین و مقیاسهای صحیح و کامل امکان پذیر تواند بود باین وسیله محصل خواهد توانست قضاوت خویشتن را بر روی اساس و بنیان مشخصاتی

استوار سازد که باتفاق آراء عموم مهمترین مشخصات آنچه که معروض مطالعه و قضاوت می گردد می باشد.

جلوگیری از بروز اختلافات اساسی در قضاوتهائی که راجع بموضوعی می شود باین وسیله امکان پذیر تواند بود.

تربیت باید در مورد افراد بنحوی اعمال گردد که بتوانند بفوریت اشتباهات خود را در آرائی که صادر مینمایند اصلاح کنند و بدینوسیله خود عامل مؤثری در تکامل افکار و آراء عمومی بشوند.

محصل باید طوری تربیت شود که با جریان زندگانی و شغل و کار او ارتباط دارد معروض مطالعه دقیق قرار داده و با اعمال طریقه مفیدی در قضاوت نیک و بد آنها را آزم تمیز و تشخیص بدهد. بدیهی است که نمیتوان تمام مسائلی را که تأمل و تفکر در مورد آنها در دوران حیات ضرورت پیدا میکنند در اینجا یکی یکی توضیح داد. آنچه که فوق گفته شد کلیاتی برای تربیت حس قضاوت محصلین بدست معلم میدهد که بتواند آنها را زمینه مسائل دیگر قرار دهد. بطور کلی باید گفت تربیت استعداد و حس قضاوت محصل و حاضر کردن او برای مطالعه دقیق و تعیین ارزش نسبی کلیه عواملی که با زندگانی یومیه انسان ارتباط دارد از وظائف قطعی و حتمی مدرسه است.

از نظر تمرین و ورزش باید محصل را وادار نمود که در کیفیت و نوع قلم، کاغذ، تخته سیاه، میز، صندلی، و کفش خود اظهار نظر و قضاوت نماید و البته نباید در این قضاوتها موضوع فاخر بودن البسه اغنیا و ژنده بودن لباس فقرا بمیان آید. منظور تعیین ارزش هر یک از آنهاست فی حد ذاته.

شاید بنظر بعضی محافظه کاران این رویه در مدارس غیر عملی بنظر آید و احیاناً بی فایده جلوه کند. ولی طفلی که از خوردی عادت به تعقل و قضاوت در نیک و بد مثلاً کفش خود نموده است در بزرگی میتواند از این تمرین استفاده کند. کسی که مرحله طفولیت را گذرانیده وارد میدان زندگانی میشود و محتاج بخیریدن پای پوش میشود باید

از نیک و بد کفش اطلاعات مختصری داشته باشد که بداند چطور کفش ببرد او میخورد و قیمت آن بطور کلی چیست و جنس آن چه باید باشد؟ در اینجا میخواهیم از این خورده گیران سؤال کنیم که انصافاً کدام یک از این دو درزندگانی عملی محصل و شاگرد مدرسه مؤثر است که: بتواند احتیاج خود را بیک کفش خوب و مناسب شخصاً برآورد از سلیقه خود در این مورد عملی استفاده کند یا اینکه بتواند محل فلان شهر یا رودخانه دور افتاده را در روی نقشه جغرافیا پیدا کند؟ کدام بحال محصل مفیدتر و برای او مهمتر است که در انتخاب پارچه برای لباس مهارتی داشته و بداند چه پارچه ای را انتخاب کند که از نظر شکل و رنگ و فایده و دوام بحالش مفید باشد یا اینکه بداند فلان واقعه غیر مهم تاریخی در چه روز و چه ساعتی اتفاق افتاده است؟

شاگردان باید وادار شوند که در کیفیت و ارزش و اهمیت کار خود شخصاً قضاوت کرده و با اصطلاح قاضی اعمال خویشان باشند. استعداد بوجود آوردن یک اثر بتنهائی کافی نیست. باید پس از بوجود آوردن آن اثر بتوانند در نیک و بد قضاوت کنند. مدارس گویا باین نکته هیچ توجهی ندارند زیرا کمتر اتفاق می افتد کار محصلی را مورد مطالعه و انتقاد خود محصل قرار دهند. همیشه معلم در کار شاگرد نظر کرده و باو نمره میدهد و این قاعده حس و استعداد معلم را تربیت میکنند ولی برای محصل از این نظری تأثیر است. اگر محصل در مدرسه یاد نگیرد که اعمال و رفتار خود را معروض مطالعه قرار داده و در باره خویشان قضاوت کند چه موقع باید این درس را فرا گیرد؟ در صورتیکه علناً مشاهده میکنیم محصلین ما در اظهار رأی و عقیده تا این حد ضعف دارند آیا نباید آن را نقص بزرگ اصول تدریس و تعلیمات مدرسه بدانیم؟ آیا نباید برای رفع این نقیصه مجاهده نموده و اصولی بوجود آوریم که محصلین را برای زندگی آماده کند و علم قضاوت انفرادی را بآنها بیاموزد؟ ...